

ماجرای خانواده آرامش

نویسنده:

کوثر رستمی

انتشارات طاق‌بستان

۱۳۹۲

رستمی، کوثر، ۱۳۷۵.

ماجراهای خانواده آرامش / نوشته‌ی کوثر رستمی - کرمانشاه: طاق‌بستان،

۱۳۹۲، ۵۲ ص، عکس

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا

۹-۲۰۸-۵۱۰-۹۶۴-۹۷۸

شابک:

۱- داستان‌های کوتاه فارسی - قرن ۱۴ الف. عنوان

۸۳/۶۲

PIR ۸۱۴۸

عنوان: ماجراهای خانواده آرامش

نویسنده: کوثر رستمی

ناشر: طاق‌بستان

نوبت چاپ: اول - کرمانشاه - ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰

قطع: رقعی ۵۲ ص

شابک: ۹-۲۰۸-۵۱۰-۹۶۴-۹۷۸

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

انتشارات طاق‌بستان

کرمانشاه - خیابان آیت اله کاشانی (دبیراعظم) - روبروی هتل بیستون

تلفن: ۷۲۹۱۷۳۲ فاکس: ۷۲۷۱۶۴۳

E-mail: Taghbostan_book@yahoo.com

تقدیم به روح پاک عموی مهربانم (سعید رستمی)

می‌دانم که هر لحظه و هر ثانیه قلبم با باد و خاطره‌ی تو می‌تپد

عموی مهربانم که اینک با دو بال زیبایت از میان ما پرکشیدی و جای خالیت همیشه حس می‌شود، آنگاه که با قطار مرگ از روی ریل‌های زندگی عبور کردی و بال‌هایت را گشودی تا به سمت آسمانی آبی به پرواز درآیی دلم از درد و خستگی پر شد آن روز بود که غمی بزرگ در دلم نهفته شد و آنک همچون مرواریدهای کوچکی از چشمانم سرازیر شد اما تو رفته بودی برای همیشه....!

کاش آن روز که به سمت خدا بال گشودی صدای ناله‌ها و تپش قلب مرا که هر لحظه ضعیف‌تر می‌شد می‌شنیدی کاش می‌دیدي که چگونه در فراق تنهای تنهایم، و تنهایی و غم با آغوش گرم به استقبال می‌آید و تمام وجودم را در برمی‌گیرد، آنگاه که با دنیا وداع آخر را خواندی و چشمان پرمهرت را بر روی ما بست و برای همیشه‌ی همیشه دستان مهربانت را از ما گرفتی، خنده از لبان ما رخت بر بست و شادمانی از قلبمان کوله بار بست. یادم آید روزهایی را که با تمام مشکلات، درونت را به دنبال اندکی خوشی

جستجو می‌کردی تا به من هدیه دهی و هیچ گاه لبخند از لبان
مهربانت محو نمی‌شد، اما چرا؟ چرا نگاه مهربانت را از من گرفتی
و من را در دنیایی از بدی‌ها به حال خود رها کردی؟ تو رفتی و
من را تنها گذاشتی اما هنوز قاب عکس خاطره‌ی تو در طاقچه‌ی
قلم باقیست. کاش بودی تا با تمام وجود بر دستانت بوسه می‌زدم
و می‌گفتم:

«دوست دارم مهربانترینم»

فهرست

صفحه

عنوان

- قسمت اول / به اتفاق قشنگ ۱
- قسمت دوم / مهربانترین مهربانها ۱۸
- قسمت سوم / نجوای عشق ۳۱